

عوامل مؤثر بر استمرار کولبری در روستاهای مرزی پاوه با رویکرد سناریونگاری

محسن جان‌پرور - استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد
ساجد بهرامی جاف* - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد
ریحانه صالح‌آبادی - دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس تهران
دریا مازندرانی - دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۳

چکیده

مناطق مرزی جزو مناطق حساس و شکننده هر کشوری محسوب می‌شوند که به دلیل شرایط منحصربه‌فردی همچون دوری از مرکز و انزوای با معضلاتی از جمله بیکاری و عدم اشتغال و عدم دسترسی به تأمین نیازهای اولیه روبه‌رو هستند. معضلات مرتبط با اقتصاد سبب شده است تا در مناطق غربی کشور، به‌ویژه در روستاهای مرزی پاوه، وضعیتی پدید آید که بخش زیادی از مردم در این منطقه برای برطرف کردن نیازهای اصلی زندگی خود به شغل کولبری روی آورند. هدف از این مقاله بررسی عوامل مؤثر بر استمرار کولبری در روستاهای مرزی پاوه است که با روش توصیفی-تحلیلی و بهره‌گیری از روش سناریونویسی به این موضوع پرداخته شده است. نتایج به‌دست‌آمده از نرم‌افزار سناریو ویزارد نشان می‌دهد که از این ۴۵ وضعیت احتمالی، ۲۶.۶ درصد وضعیت بحرانی، ۱۷.۸ درصد در آستانه بحران، ۲۶.۶ درصد وضعیت ایستا، ۱۳.۴ درصد وضعیت نیمه‌مطلوب، و ۱۵.۶ درصد نیز وضعیت مطلوب دارند. در مجموع، ۲۹ درصد وضعیت مطلوب و ۴۴.۴ درصد نیز وضعیت نامطلوب داشته‌اند. از ۱۴ سناریوی محتمل، سناریوهای ۱ و ۲ دارای وضعیت مطلوب و سناریوهای ۵، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، و ۱۴ دارای وضعیت نامطلوب بوده‌اند. سناریوهای ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۴، و ۳ نیز دارای وضعیت بینابینی بوده‌اند و از ترکیب حالت‌های مختلف به‌وجود آمده‌اند. در نهایت، می‌توان بیان کرد که شرایط برای استمرار کولبری در منطقه بحرانی محسوب می‌شود و این امر نیازمند تدوین سیاست‌های مناسب با موقعیت منطقه برای بهبود شرایط معیشتی و زندگی ساکنان نواحی مرزی است.

کلیدواژه‌ها: تداوم کولبری، روستاهای مرزی، شهرستان پاوه، سناریونویسی.

مقدمه

نیازهای اولیه معیشتی افراد هر جامعه، یا به زبان تخصصی‌تر، بُعد اقتصادی، از ابعاد اساسی هر جامعه‌ای است که از تغییر برکنار نیست و درعین حال از عناصر اصلی کلیت فرهنگ آن جامعه است. شیوه‌های تأمین معیشت افراد مبتنی بر ضرورت‌های زمانی، مکانی، و پیشرفت تکنولوژیکی و فرهنگی خاستگاه‌ها، شکل، و محتوای متفاوتی دارد (قادرزاده و قادری، ۱۳۹۲: ۱۳۶). در ساختار اقتصادی نواحی روستایی کشورهای مختلف، کشاورزی محور اساسی تأمین معیشت به‌شمار می‌رود. مهم‌ترین ویژگی چنین ساختاری فقدان تنوع در بسترهای اقتصادی و فرصت‌های شغلی است که تا حدودی نشئت گرفته از نوع نگرش به روستا و سیاست‌گذاری‌های دولتی و عوامل درونی روستاست. چنین ساختار اقتصادی و شغلی در نواحی روستایی، مسائل خاصی را به دنبال داشته است که ازجمله آن‌ها می‌توان به انعطاف کمتر در مقابل نوسانات کوتاه‌مدت اقلیمی، نوسان قیمت محصول در زمان برداشت، محدودیت‌های بازاریابی و بازررسانی محصول، وابستگی بهره‌برداران به محیط خارج از روستا و بازارهای خارجی، بیکاری آشکار و پنهان، کاهش بازده سرمایه، تخریب منابع طبیعی پایه، آسیب‌پذیری اقتصاد روستایی و بی‌ثباتی منابع درآمدی، تضعیف اقتصاد و فرهنگ روستایی، مهاجرت روستایی، و حاشیه‌نشینی اشاره کرد (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۸). در این میان، روستاهای مرزی از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. اقتصاد این مناطق اقتصاد سنتی روستایی است، تولید در این نوع اقتصاد در سطح نازلی قرار دارد که خودمعیشتی از مشخصات بارز آن به‌شمار می‌رود. اراضی کشاورزی با توجه به کوهستانی‌بودن منطقه و نیز عدم تطابق بارش‌ها با فصل کشت عموماً به صورت دیم کشت می‌شود (کهنه‌پوشی و جلالیان، ۱۳۹۲: ۶۲). این مسئله همراه با مسائل خاص مناطق مرزی از جمله مخاطره‌آمیزبودن سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مهم اقتصادی و در نتیجه افزایش بیکاری و فقر در طول روستاهای مرزی کشور به‌ویژه در شهرستان پاره سبب شکل‌گیری پدیده‌ای به نام کولبری شده است. در تحقیق حاضر بنا بر این است که پارامترهای شکل‌دهنده این پدیده در طول مرزهای دو کشور ایران و عراق بررسی و تحلیل شود. کولبری سبک یا روشی از زندگی محسوب می‌شود که در مرزهای غربی قابل مشاهده است و از این طریق افراد درصدد امرار معاش و تأمین کردن مایحتاج زندگی خود هستند. مهم‌ترین دلیلی که مردمان مناطق غربی کشور این سبک از زندگی را انتخاب کرده‌اند و در بیشتر موارد نیز با خطرهای جانی روبه‌رو می‌شوند طولانی‌بودن مرزها و تعدد همسایگان، مرزهای تحمیلی که سبب تداخل قومیت‌های مذهبی و فرهنگی با کشورهای هم‌جوار شده است، توسعه‌نیافتگی مناطق پیرامونی و مرزی، و همچنین وجود فقر مطلق در میان مردمان مرزنشین، اختلافات زیست‌محیطی گسترده، موقعیت ویژه این مناطق مرزی، روند تغییرات نهادهای حکومتی و دولتی در نواحی مرزی، جهانی‌شدن و تحولات در کارکرد مرزها، عدم استراتژی منسجم در مدیریت و نظارت و پایش مناطق مرزی و ... است. افراد کولبر تحت عنوان افرادی سخت‌کوش در مناطق مرزی شناخته می‌شوند. این نکته حائز اهمیت است که اگر شرایط مساعد و اشتغال کافی در این مناطق وجود نداشته باشد، کمبود امکانات و عدم حمایت دولت و سایر مسائل دست در دست هم برای ایجاد پدیده کولبری در نواحی غربی می‌دهند که می‌تواند یک شیوه خطرناک برای زندگی مردم در این منطقه محسوب شود. با توجه به اینکه افراد مرزنشین در این مناطق نگاهی متفاوت به زندگی دارند و جبر محیطی و سیاسی نیز سبب شده است تا مردم به‌رغم هزینه‌های جانی و مالی برای تأمین مخارج زندگی خود به این اقدامات دست زنند (Janparvar et al, 2021: 6). با تأکید بر آنکه این مقاله به دنبال بررسی عواملی است که سبب تداوم این پدیده می‌شود، از روش آینده‌نگری و سناریونویسی بهره گرفته شده است. با توجه به اینکه اندیشیدن در مورد آینده برای داشتن عملکردهای مناسب و صحیح ضروری است، لازم است تا واکنش‌ها و کنش‌های موجود در یک قلمرو سرزمینی در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی را در دستور کار خود قرار دهد. از این رو، تصورات آینده‌آرمان‌ها، مقاصد، امیدها، نگرانی‌ها، و آرزوها می‌توانند

پیشران‌های فعلی در نظر گرفته شوند. بنابراین، سناریونویسی، تحت عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، ابزاری مناسب برای تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت‌ها، نیازها، و ارزش‌های برتر آینده در نظر گرفته می‌شود. سؤال اصلی تحقیق بدین صورت مطرح می‌شود که عوامل مؤثر بر استمرار کولبری در روستاهای مرزی پاوه کدام‌ها هستند و استراتژی‌های مناسب برای منطقه چگونه با استفاده از رویکرد آینده‌نگری تدوین می‌شود؟

پیشینه تحقیق

قادرزاده و همکاران (۱۳۹۰) در مقاله‌ای بیان می‌کنند بر ساخت پدیده تجارت مرزی یکی از عوامل اصلی و مهم در واکنش به شرایط توسعه‌نیافتگی در مناطق مرزی است و می‌توان آن را در بعد بسترها، تعاملات، و پیامدها مشاهده کرد. دلپسند و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای بیان می‌کنند که سؤال اصلی این مطالعه این است که کولبران مناطق مرزی که بر اساس شرایط ساختاری مرزی در بافت شهری اجتماعی خاصی زندگی می‌کنند چه نوع زیست‌جهانی را بر اساس شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی تجربه می‌کنند. به لحاظ روشی با توجه به امنیتی‌بودن مرزها و نگرانی کنشگران در فضای تحقیق و داده‌های اطلاعاتی دقیق‌تر، با استفاده از روش کیفی اتنوگرافی که بر اساس مشاهده، گفت‌وگو، مصاحبه عمیق، آزاد و گروهی و نیز تجربه مستقیم کنشگران و با نگاه انتقادی محقق در باب وضع موجود است. یافته‌های مقاله تحلیلی بر اساس مصاحبه و مشاهده همراه با مشارکت پژوهشگر بوده است. کولبری پیامد ناخواسته مرز اقتصاد غیررسمی مرز در اثر سیاست‌های اقتصادی دولت متمرکز و از نگاه بالا به پایین است. زیست‌جهان اجتماعی - فرهنگی کولبران در بافت مرزی و در چارچوب اقتصاد غیررسمی فهم می‌شود.

مبانی نظری تحقیق

مرز

در تعریف مرز می‌توان بیان کرد که خطی است که یک کشور، استان، و ... را از دیگر کشورها جدا می‌کند (وود، ۲۰۱۳). هگل مرزها را پدیده‌های فلسفی می‌داند که به خوبی می‌توان تضادها و پارادوکس‌های مستمر در آن‌ها را درک کرد. وی به صراحت بیان می‌کند که مرزها واقعاً وجود دارند و فضای علامت‌گذاری و ساختاری را شکل می‌دهند که به ایجاد تفاوت کشورها از یکدیگر منجر می‌شود (کولسو و اسکات، ۲۰۱۳: ۱). مرز به پدیده‌ای فضایی اطلاق می‌شود که منعکس‌کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک حکومت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا، ... مانع ایجاد می‌کند (دریسدیل و جرال، ۱۳۷۴: ۱۰۱). مرزها خطوطی هستند که حدود بیرونی قلمرو سرزمین تحت حاکمیت یک حکومت ملی را مشخص می‌کنند. مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا یک کشور از دیگر واحدهای مجاور آن است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۶۹). خطوط مرزی خطوطی اعتباری و قراردادی هستند که به منظور تحدید حدود یک واحد سیاسی بر روی زمین مشخص می‌شوند (میرحیدر، ۱۳۸۵: ۱۶۱). مرز خطی است فرضی در فضا که جداکننده دو ملت، دو کشور، و دو نظام حکومتی است. مرز در انتهای قلمرو حقوقی و قانونی یک دولت قرار می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۵). در مجموع، می‌توان گفت مرزها به صورت دیوارهایی زندگی، هویت، خانه، کشور، حکومت، منافع (ملی) و ... را از دیگران جدا می‌کنند و به شما و آن‌ها اعتبار و هویت می‌دهند. با نگاهی به اطراف خود و مرزهایی که در اطراف وجود دارد می‌توان این موضوع را بهتر درک کرد (حافظ‌نیا و جان‌پرور، ۱۳۹۲: ۳۵). در دهه ۱۹۹۰ جامعه بین‌المللی با کمک اندیشمندان مرزی شروع به نظریه‌پردازی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، و روان‌شناختی مرتبط با مرزها کرد. نیومن و پاسی چهار مضمون اصلی را در مطالعات مرزی شناسایی کردند (پاسی، ۲۰۰۹). اولین مضمون پسامدرن و مباحث مرتبط با پساختارگرایانه در مورد نابودی سرزمینی و تجدید سرزمین مجدد بود که در ژئوپلیتیکی انتقادی نمایان

گشت. دومین نقش مرزها در ساخت هویت اجتماعی- مکانی و درعین حال تمایزات بین ما و دیگری به همین ترتیب مورد توجه دانشمندان سیاسی قرار گرفت. این بحث یک رویکرد کلاسیک را در ارتباط با جامعه‌شناسی و مطالعات پسااستعماری زنده کرد (الیاس، ۱۹۹۴). سومین مورد گفتمان‌های مرزی که تجسم‌بخش فرایندهای جامعه‌پذیری ملی بوده مدنظر قرار گرفته است و درنهایت چهارمین مورد نقش مقیاس‌های مختلف فضایی در ساخت مرزهاست. این رویکرد نشان می‌دهد که توجه به مرزها به‌طور چشم‌گیری گسترش یافته و روابط قدرت بین آن‌ها نیز افزایش یافته است (شاپیرو و الکار، ۱۹۹۶).

روستای مرزی

سکونتگاه‌های روستایی حاشیه مرز از جمله مناطق مهم و استراتژیک برای کاهش مشکلات مرزها به‌شمار می‌آید که اگر به شیوه علمی و منطقی سامان‌دهی شوند، می‌توانند تا حد بسیار زیادی در کنترل مناطق مرزی مؤثر باشند و مشکلات این مناطق را به حداقل برسانند. شناخت پتانسیل‌ها و نقاط ضعف نواحی هم‌جوار با مرز می‌تواند بهترین رویکرد در راستای توسعه فضایی مناطق روستایی مرزی به‌شمار آید (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۰)؛ توسعه‌ای که ناشی از وجود مرز و قابلیت‌های است. چنانچه این توسعه متناسب با شرایط جغرافیایی، فرهنگی، و اقتصادی باشد، شکوفایی اقتصادی را به دنبال دارد و نمود کالبدی این شکوفایی بر رخساره نواحی مرزی جلوه‌گر خواهد بود و از حالت بی‌برنامگی و انفکاک فعالیت‌های روستائیان از برنامه‌های دولتی ممانعت خواهد کرد و توسعه گام به گام و در راستای رویکرد توسعه از پایین به بالا، قوانین جاری کشور، و اسناد توسعه‌ای ظهور خواهد کرد (کامران و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۰). درواقع، روستاهای مناطق مرزی از نقاط حساس و استراتژیک کشور به‌شمار می‌روند. طبیعت منزوی و غیرحاصل‌خیز این روستاها پیوسته به دلیل فقدان رفاه و نبود انگیزه‌های لازم برای زندگی زمینه‌ساز مشکلات سیاسی، اقتصادی، و امنیتی برای دولت‌های وقت بوده است. مشکلات اقتصادی- اجتماعی این مناطق زمینه را برای معضلات و نابسامانی‌هایی چون مهاجرت، قاچاق کالا، شورش، و ناامنی در این مناطق فراهم آورده است (صادقی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۴). روستاهای مناطق مرزی به دلیل دوربودن از فرایند توسعه از نظر زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی معمولاً با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند. از این رو، ایجاد زیرساخت‌های اساسی جهت تولید و افزایش اشتغال، راه‌های ارتباطی مناسب و کارآمد، انرژی مناسب و دائم، و آموزش روش‌های نوین ضروری به‌نظر می‌رسد و جهت ایجاد کشش و انگیزه برای جمعیت‌های مرزنشین دو سوی مرز الزام دولت به ایجاد زیرساخت‌های مناسب از قبیل راه، ارتباطات، و امکانات رفاهی- بهداشتی باید صورت گیرد (کهنه‌پوشی و عنابستانی، ۱۳۹۱: ۹-۱۹).

کولبری

درباره واژه کولبری در لغت‌نامه دهخدا چنین آمده است: این واژه به معنای بر پشت برداشتن کسی یا چیزی راه باری بر پشت یا دوش برند و آن بزرگ نباشد، باری خرد که بر کتف توان بردن یا میان دو کتف، باری بر دوش آدمی حمل شود، باری بر پشت که طناب و رسن آن از یک سوی شانه بر سینه افتد و حامل آن را بر دست دارد (دهخدا، ۱۳۵۱: ۶). کولبر در اصطلاح و مفهوم مضیق نشان‌دهنده فردی است که باری را بر پشت قرار می‌دهد و از جایی به جای دیگر می‌رود. اما در مفهوم موسع کولبری فراتر از به دوش کشیدن بار است. این واژه نشان‌دهنده مردمان کوردی است که از راه‌های سخت و پرپیچ‌وخم بارهای سنگین را بر پشت خود حمل می‌کنند و از یک سوی مرز به سوی دیگر مرزی می‌روند؛ زیرا مناطق مرزی در این ناحیه اغلب کوهستانی است و ماشین امکان رفت‌وآمد را ندارد. کولبران بیشتر در استان‌های

آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، و سیستان و بلوچستان زندگی می‌کنند. کولبری و مسائل مرتبط با آن فقط بخشی از نمود ظاهری معیشت ناپایدار مرزنشینان است. این امر در موارد دیگری اشاره دارد به نرخ ترک تحصیل فرزندان، مهاجرت درون و برون‌استانی، شیوع اشکالی از مبادلات و معاملات تجاری ریسکی برای نمونه پخش و فروش و یا کمک به ترانزیت مواد مخدر، تغییر هنجارهای مرتبط با نظام خانواده، افزایش نرخ طلاق و آسیب‌های اجتماعی که با نظام و الگوهای هنجاری جامعهٔ عمدتاً سنتی در تضاد آشکار است، حاشیه‌نشینی در شهرها و مراکز استان و ... در حقیقت، پیامدهای مختلف شرایط ناپایدار توسعه در مناطق مرزی، ضمن هم‌افزایی یکدیگر، مثلاً ناپایداری معیشت، ارتباط مستقیمی با گسترش فقر، افزایش نرخ بیکاری، و اشتغال کاذب دارد و در همان حال هم علت و معلول و مقوم پدیدهٔ توسعهٔ ناپایدار و بدقواره است. از دیگر پیامدها می‌توان به فرسایش سایر ابعاد توسعه از جمله حوزهٔ فرهنگ و هنر و اجتماع و نیز تقلیل فرایند توسعه به برخی سیاست‌های تجاری در قالب بازارچه‌های مرزی اشاره کرد. درهم‌تنیدگی عوامل آسیب‌زای پیش‌گفته به شیوع نوعی اقتصاد سیاه در منطقه کمک کرده است (احمدراش، ۱۳۹۷: ۱۸۴).

توسعهٔ روستایی

مطالعات مرتبط با توسعهٔ روستایی بعد از جنگ جهانی دوم هم‌زمان با مطالعات مرتبط با توسعهٔ اجتماعی شروع شد. تا سال ۱۹۶۰ میلادی بیش از شصت کشور در قاره‌های آسیا، آفریقا، و امریکای لاتین برنامه‌هایی مرتبط با توسعهٔ جامعهٔ ملی یا منطقه‌ای را مد نظر قرار دادند. اما تا اواسط دههٔ ۱۹۶۰ میلادی توسعهٔ جامعه‌ای مورد بی‌توجهی سازمان‌های کمک به توسعهٔ ملی قرار گرفت. در اواخر دههٔ ۱۹۶۰ فقرا به صورت موقتی به منافع ناشی از رشد و توسعه دست پیدا کردند، ولی همچنان تعداد زیادی از آنان نتوانستند هم‌زمان با این شرایط حرکت کنند و این عامل سبب افزایش اختلافات و شکاف طبقاتی بین ثروتمندان و فقرا گردید. در نهایت، در دههٔ ۱۹۷۰ میلادی به صورت تدریجی دیدگاه‌های سنتی توسعهٔ روستایی، که تحت تأثیر سیاست‌ها و دیدگاه‌های کلی توسعه یعنی رشد اقتصادی بود، تغییر محوریت داد و سبب ورود مباحث سیاسی و اجتماعی به بحث توسعهٔ روستایی شد (زارعی، ۱۳۹۵: ۵۴). برنامه‌های توسعهٔ روستایی با توجه به سیاست‌های موجود در ابتدا با تأکید بر توسعهٔ کشاورزی، صنعتی کردن سکونتگاه‌های روستایی، ارائهٔ امکانات و خدمات رفاهی روستایی، و اجرای طرح‌های فیزیکی و کالبدی بوده است (رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۱). در حالی که توجه به امر توسعه باید به صورت چندبعدی و با در نظر گرفتن همهٔ عوامل صورت گیرد. بنابراین، می‌توان بیان کرد که توسعهٔ روستایی بخشی از فرایند توسعه در مقیاس ملی محسوب می‌شود که تحت تأثیر تحولات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی قرار دارد. در جمهوری اسلامی ایران نیز توجه به بحث توسعهٔ روستایی از دههٔ ۱۳۲۰ مطرح شد و بعد از انقلاب نیز برنامه‌های گوناگونی برای توسعهٔ روستایی با توجه به تحولات در مدیریت و ساختار سازمانی کشاورزی رخ داد (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). اما مشاهدات نشان می‌دهد که برنامه‌های مرتبط با توسعهٔ روستایی در جمهوری اسلامی ایران و همچنین در کشورهای در حال توسعه با توجه به نوع نگرش‌ها و دیدگاه‌های موجود چندان موفقیت‌آمیز نبوده است و این عامل به دلیل فقدان نگرش و دیدگاهی منظم نسبت به توسعه و فقدان راهبردهایی متناسب با شرایط و موقعیت این مناطق بوده است. از این رو، در روستاها به‌ویژه روستاهای مرزی شاهد گسترش معضلات اقتصادی از جمله بیکاری، مهاجرت‌های روستا به شهری، فقر و ... می‌باشیم که مجموعهٔ این عوامل نشان‌دهندهٔ افزایش دوگانگی بین مناطق مرکزی و مرزی است که خود به‌عنوان عاملی برای افزایش واگرایی مطرح است.

آینده‌نگاری

آینده‌نگاری دربرگیرنده مجموعه اقداماتی است که با تجزیه و تحلیل منابع موجود، الگوهای موردقبول، و عوامل ثابت و متغیر به ترسیم آینده به صورت بالقوه می‌پردازد. آینده‌نگاری قادر است تا با تدوین سناریوهایی امروز و واقعیت جهان فردا را به تصویر بکشد و آینده‌هایی را که به صورت مطلوب هستند با برنامه‌ریزی مناسب و صحیح ترسیم نماید (بل، ۱۳۹۲). در واقع، این عامل کمک می‌کند سیاست‌ها و اقدامات مناسب مطابق با آینده موردنظر از سوی سیاستمداران و برنامه‌ریزان در ابعاد و جنبه‌های مختلف گرفته شود؛ زیرا آینده‌نگاری می‌تواند با فراهم آوردن شواهدی در فرایندهای برنامه‌ریزی استراتژیک موردتوجه قرار گیرد (رونی، ۲۰۱۰). سناریونویسی، به عنوان یکی از روش‌های آینده‌پژوهی، ابزاری برای تحلیل سیاست‌ها و شناخت شرایط، تهدیدات، فرصت‌ها، نیازها، و ارزش‌های برتر آینده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۵). سناریونویسی، به عنوان یکی از تکنیک‌های مهم آینده‌پژوهی، مبتنی بر رویکرد هنجاری است؛ سناریو روشی برای ترسیم آینده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۸). هدف از سناریوسازی، گسترش تفکر درباره آینده و عریض‌تر کردن طیف بدیل‌هایی است که می‌تواند موردنظر باشد. در سناریونویسی، سناریوها به طرز ماهرانه‌ای گزینه‌های گوناگون آینده و چگونگی تحقق آن‌ها را ترسیم می‌کنند و انواع احتمال‌ها درباره آینده موضوع را بیان می‌کنند. برنامه‌ریزی بر پایه این سناریوها یک ابزار مؤثر برنامه‌ریزی راهبردی برای برنامه‌ریزی بلندمدت در شرایط نامشخص است. این به ما کمک می‌کند تا با راهبرد مطلوب و مؤثر به تدوین طرح‌ها برای موقعیت‌های غیرمنتظره و انتخاب مسیر درست و مناسب مربوط به مسائل اقدام کنیم (موسوی و کهکی، ۱۳۹۶: ۱۱۳).

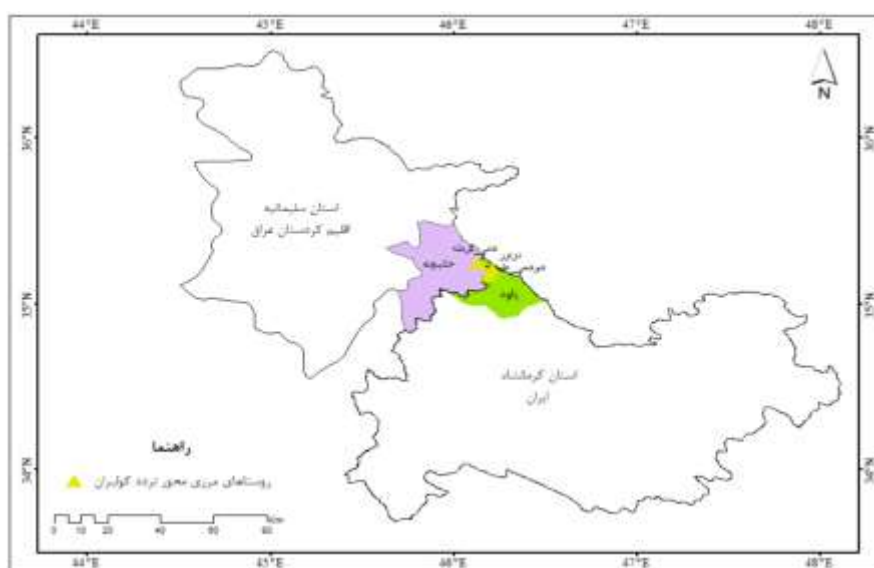
روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است. ماهیت داده‌ها کیفی و کمی و روش گردآوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، میدانی (پرسش‌نامه تأثیرات متقابل)، و پیمایشی (در چند مرحله) است. در تحقیق حاضر، نخست با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، مهم‌ترین عوامل کلیدی تأثیرگذار بر پایداری پدیده کولبری در مناطق مرزی ایران شناسایی شد. سپس، وضعیت‌های احتمالی مختلفی برای هر یک از عوامل کلیدی در نظر گرفته شد و مجموعاً ۳۵ حالت برای هفت عامل کلیدی در نظر گرفته شد. بر اساس عوامل کلیدی و حالت‌های مختلف آن پرسش‌نامه‌ای به صورت متقاطع طراحی شد و در اختیار جامعه آماری تحقیق، ده نفر از متخصصان رشته جغرافیای سیاسی، قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های آینده‌پژوهی در چند بخش شامل پویای محیطی (برای جمع‌آوری شاخص‌های مربوطه) و تکنیک آثار متقابل (استفاده از نرم‌افزار سناریویزارد برای تدوین سناریو) است. وزن‌دهی به پرسش‌نامه به صورت مقایسه‌ای زوجی و میزان ارتباط بین متغیرها با اعداد بین ۳- تا ۳+ سنجیده می‌شود. روایی این پرسش‌نامه توسط جامعه آماری مورد تأیید واقع شد. پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده در نرم‌افزار سناریویزارد و از طریق دستور Ensemble وارد شد و در نهایت سناریوهای سازگار و ضعیف شناسایی و تحلیل شد.

موقعیت مورد مطالعه

شهرستان پاوه در میان رشته‌کوه‌های زاگرس و با ارتفاع ۱۴۸۵ متر از سطح دریا قرار دارد. این شهرستان در ۱۱۲ کیلومتری مرکز استان قرار دارد و از شمال به شهرستان مریوان، از جنوب به شهرستان جوانرود، از شرق به روانسر، و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. دارای سه بخش، ۵ دهستان، و ۹۵ روستاست که ۴۶ روستا دارای سکنه و ۴۹ روستای خالی از سکنه است. وسعت شهرستان ۱۲۶۰ کیلومتر مربع است شامل ۱۰۰۰ هکتار اراضی زراعی و ۳۹۰۰ هکتار باغ. وضعیت جوی شهرستان در سردترین فصل سال به میانگین زیر صفر درجه می‌رسد و در گرم‌ترین فصل سال

به حدود ۳۰ درجه بالای صفر می‌رسد. بر اساس آخرین سرشماری انجام‌شده در شهرستان، منطقه مورد مطالعه دارای ۶۰۴۳۱ نفر جمعیت است؛ از این تعداد ۳۶.۱۰۳ نفر در نقاط شهری و ۲۴۳۲۸ نفر در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این شهرستان از غرب به طول ۹۶ کیلومتر با کشور عراق هم‌مرز است. بازارچه مرزی شوشمی در فاصله ۳۵ کیلومتری شهرستان پاوه و ۵ کیلومتری غرب نوسود پاوه و ۱۵۵ کیلومتری کرمانشاه در محوطه‌ای بلند و پلکانی شکل در حدود ۲ هکتار واقع شده است. این بازارچه از سمت عراق به حوزه حلبچه استان سلیمانیه در شمال عراق متصل و در مجاورت شهر تهویل کردستان عراق قرار دارد و این منطقه (نوسود به تهویل) مرکز اصلی تردد کولبران و باربران مرزی است.



شکل ۱. نقشه منطقه مورد مطالعه (منبع: ترسیم نگارندگان، ۱۳۹۹)

بحث و یافته‌ها

پژوهش درباره آینده اغلب با شناسایی متغیرهای کلیدی که تأثیر زیادی در آینده موضوع دارند شروع می‌شود (روث و کاویوجا، ۲۰۱۵). مناطق مرزی کشور ایران، به‌ویژه در قسمت‌های غربی این کشور، به دلیل موقعیت جغرافیایی و سیاسی خاص، با مشکلات اقتصادی زیادی مواجه‌اند؛ از جمله این مشکلات مشکل بیکاری و روی آوردن به شغل کولبری به‌عنوان یکی از شیوه‌های معیشت و سبک خاص اشتغال است. دیدن کودکان کولبر، مردان پیر و سالخورده، افرادی که به‌نوعی دارای معلولیت جسمی‌اند نشان‌دهنده وضعیت وخیم این مناطق است. اهمیت زیاد این مسئله از این روست که تداوم وضعیت موجود در مناطق مرزی سطح پایداری این مناطق را در موارد مختلف از جمله امنیت به‌شدت کاهش خواهد داد و پیامدهای عدم امنیت هم بر کل کشور تأثیرگذار است. از این رو، این تحقیق با استفاده از روش آینده‌پژوهی سعی در شناخت سناریوهای مؤثر بر پایداری اقتصاد کولبری داشته است. در این تحقیق نیز نخست متغیرها و عوامل کلیدی و تأثیرگذار در پایداری اقتصاد کولبری با استفاده از نظریات (جان‌پرور، سافر، و مارتینز) در این حوزه شناسایی شد. در این تحقیق از نرم‌افزار میک مک و نحوه تحلیل ماتریس متقاطع برای استخراج عوامل کلیدی مؤثر بر پایداری پدیده کولبری در روستاهای مرزی پاوه استفاده شده و خروجی این نرم‌افزار (عوامل کلیدی) به‌عنوان ورودی نرم‌افزار سناریویزارد استفاده خواهد شد که در واقع هدف اصلی تحقیق است. بر اساس جدول ۱، در یک تحلیل کلی وضعیت سیستم

بدین صورت است که تعداد متغیرها با ضریب متوسط ۶۵۵ بوده؛ این نتیجه نشان می‌دهد نیروهای متوسط سیستم، که به پایداری گرایش دارند، تقریباً نیمی از متغیرهای سیستم را به خود اختصاص داده‌اند. بنابراین، اگر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسبی در منطقه مرزی پاوه انجام شود، این متغیرها به سمت پایداری بیشتر تمایل پیدا می‌کنند، زیرا مجموع متغیرهای متوسط و قوی سیستم حدود ۸۷.۷ درصدی از کل متغیرهای موجود در سیستم هستند. در این کم‌بودن متغیرهای بسیار قوی و همچنین متغیرهای ضعیف که مجموعاً ۲۱.۴ درصد از کل متغیرهای سیستم را دربر می‌گیرند بیانگر این نکته است که هم‌زمان که شرایط برای پایداری سیستم مهیاست، درعین حال، شرایط وقوع بحران را نیز در صورت بی‌توجهی به نیازهای روستاهای مرزی در سیستم اقتصاد کولبری خواهیم داشت. وجود متغیرهای ضعیف و بدون تأثیر که حدود ۳۰ درصد از کل متغیرهای سیستم را به خود اختصاص داده‌اند نشان می‌دهد که در صورت بروز کمترین شرایط در متغیرها سیستم به سمت ناپایداری سوق خواهد یافت. از سوی دیگر، وجود متغیرهای ضعیف در سیستم که حدود ۱۴ درصد از کل متغیرهای سیستم‌اند حاکی از ناهماهنگی شدید در سیستم اقتصاد کولبری روستاهای مرزی پاوه است. سطح پایایی به‌دست‌آمده به دلیل دقت بالای نرم‌افزار در دو بار تکرار ۹۶.۳ به‌دست آمده که نشان‌دهنده پایایی بسیار بالایی است؛ بنابراین، با توجه به داده‌های جدول ۱ و نیز توضیحات ارائه‌شده آن در خطوط بالا، که نحوه توزیع متغیرها را بیان کرده است، سیستم پایداری اقتصاد کولبری در روستاهای مرزی پاوه دچار ناپایداری میانگین گرایش به بالاست. از این رو، اگر برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های اصولی در این زمینه صورت نگیرد، در آینده، ضمن تشدید نابرابری، امنیت منطقه مرزی را به طرز فراوانی به مخاطره خواهد انداخت؛ امنیتی که در صورت توجه اصولی به وضعیت اقتصادی روستاهای مرزی تا حد زیادی ارتقا پیدا می‌کند.

جدول ۱. ماتریس MDI

ابعاد ماتریس	تکرار	بدون تأثیر (+)	ضعیف (۱)	متوسط (۲)	قوی (۳)	بسیار قوی (p)	پایایی	جمع
۴۰×۴۰	۲	۲۰۳	۲۰۴	۶۵۵	۴۴۴	۹۴	۹۶.۳۱	۱۳۹۷

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

بر اساس جدول ۲، که اثرگذاری و اثرپذیری متغیرهای مؤثر بر پایداری اقتصاد کولبری در روستاهای مرزی پاوه را نشان می‌دهد، **متغیرهای تأثیرگذار و تعیین‌کننده** در سیستم که از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند و بر کل سیستم اقتصاد کولبری در منطقه مورد مطالعه اثر می‌گذارند و کمتر تأثیر می‌پذیرند و نیز از عدم قطعیت کمتری برخوردارند، این عوامل بیشتر محیطی هستند که سه متغیر جغرافیایی در آن واقع شده است:

متغیرهای دووجهی

این متغیرها دارای دو ویژگی مشترک تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بالا هستند و دارای عدم قطعیت بیشتر می‌باشند که به دو دسته متغیرهای ریسک و هدف تقسیم می‌شوند. متغیرهای ریسک بالای خط قطری ناحیه شمال شرقی شکل قرار می‌گیرند و ظرفیت بسیار زیادی برای تبدیل شدن به بازیگران کلیدی سیستم را دارند که در این تحقیق نوع اقتصاد ساکنان مرزی در این قسمت قرار گرفته است که نشان‌دهنده اهمیت زیاد این متغیر است. متغیرهای هدف زیر ناحیه

قطری شمال شرقی صفحه قرار می‌گیرند. این متغیرها که در واقع نتایج تکاملی سیستم و نمایانگر اهداف ممکن در یک سیستم هستند. بیشترین تعداد متغیرهای مورداستفاده در تحقیق اند که ۳۵ متغیرند.

متغیرهای تأثیرپذیر

در قسمت جنوبی شرقی شکل قرار دارند و می‌توان آن‌ها را متغیرهای نتیجه نیز نامید. این متغیرها در سیستم از تأثیرپذیری بسیار بالا و تأثیرگذاری بسیار پایین برخوردارند. این متغیرها دارای اهمیت کمتر و همچنین عدم قطعیت بیشتری هستند که در این تحقیق پنج متغیر در این بخش جای گرفته‌اند.

متغیرهای مستقل

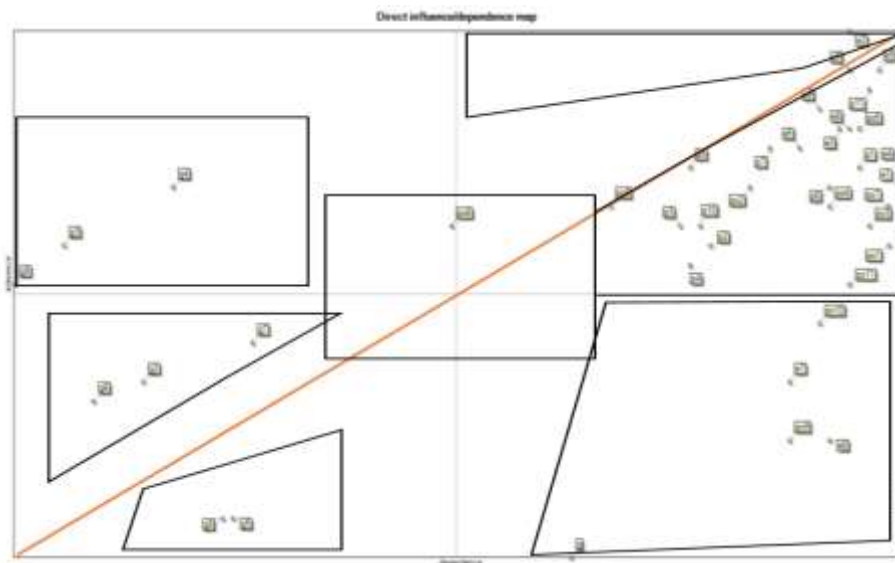
در قسمت جنوب غربی شکل واقع شده‌اند، از تأثیرگذاری و تأثیرپذیری پایینی برخوردارند. در این قسمت نیز پنج متغیر تحقیق واقع شده است.

متغیرهای تنظیمی

این متغیرها، که در مرکز شکل قرار گرفته‌اند، حالت تنظیمی دارند و به‌عنوان اهرم ثانویه عمل می‌کنند و بر اساس روند برنامه‌ریزی سیاست‌گذاران ممکن است این متغیرها به متغیرهای تأثیرگذار، متغیرهای تعیین‌کننده، یا متغیرهای هدف و ریسک ارتقا پیدا کنند. در این بخش فقط متغیر ایدئولوژی و راهبردهای دو کشور هم‌مرز واقع شده است.

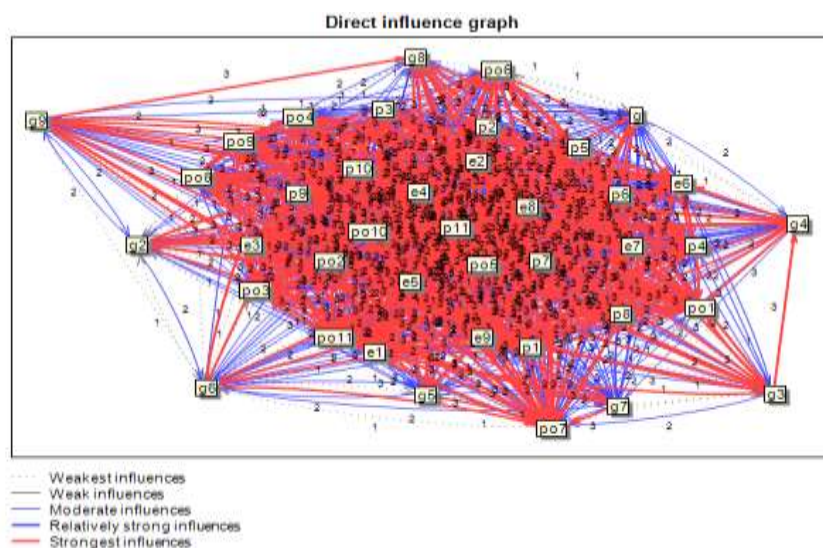
جدول ۲. اثرگذاری و اثرپذیری متغیرهای مؤثر بر پایداری اقتصاد کولبری در روستاهای مرزی پاوه

نوع متغیرها	لیست متغیرها
متغیرهای تأثیرگذار و تعیین‌کننده متغیرهای ریسک	دوری از مرکز منطقه مرزی، انزوای جغرافیایی طبیعی منطقه مرزی، شرایط اقلیمی نامناسب نوع اقتصاد ساکنان مرزی (کشاورزی و دامپروری، صنعت، و خدمات) تعداد جمعیت ساکن در منطقه مرزی، ساختار سنی جمعیت ساکن در منطقه مرزی، سطح سواد ساکن در منطقه مرزی، پیوندهای خویشاوندی با فراسوی مرز، چگونگی توزیع و پراکندگی جمعیت در منطقه مرزی، نگرش ساکنان مرزی به مرز، پیوستگی فرهنگی ساکنان مرزی با مرکز، پیوستگی فرهنگی ساکنان مرزی با فراسوی مرز، ساختار قومی و قبیله‌ای منطقه مرزی، تعصبات قومی، دسترسی به امکانات بهداشتی و خدماتی، احساس برابری یا تبعیض سیاسی ساکنان مرزی با مرکز، بازیگری یا عدم بازیگری سیاسی ساکنان مرزی، سیاست ارتباطی دو کشور هم‌مرز، عدم کنترل دقیق مرزها، سیاست‌های داخلی در مورد مناطق مرزی (دیدگاه یک کشور نسبت به مناطق پیرامونی و مرزها)، سیاست مرزی (باز، نیمه‌باز، و بسته)، شباهت یا تفاوت نظام سیاسی دو کشور همسایه، سازمان‌ها و نهادهای مرزی، وضعیت اشتغال و بیکاری در منطقه مرزی، وضعیت تأمین مایحتاج عمومی، سطح توسعه منطقه مرزی نسبت به مرکز، سطح توسعه منطقه مرزی متفاوت در دو سوی مرز، رضایت از درآمد، رضایت از وضعیت هزینه زندگی موقعیت جغرافیایی منطقه مرزی، منافع سیاسی کشورهای هم‌مرز، نوع نگرش به کشور هم‌مرز، تفاوت قیمت در دو سوی مرز، سیاست‌های گمرکی در قالب بازارچه‌های مرزی
متغیرهای هدف	شکل مرز، پیوستگی طبیعی منطقه مرزی با فراسوی مرز، موقعیت گذرگاهی منطقه مرزی، محدودیت زمین کشاورزی و مرتع، ژئومورفولوژی منطقه مرزی
متغیرهای تنظیمی	ایدئولوژی و راهبردهای دو کشور هم‌مرز



شکل ۲. اثرهای مستقیم عوامل مؤثر بر پایداری کولبری در مناطق روستایی پاوه
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

شکل ۳ نمایشگر روابط بین مؤلفه‌ها و چگونگی اثرگذاری آن‌ها بر یکدیگر است. این تصویر در قالب خطوط قرمز و آبی نشان داده می‌شود. این تصویر اندازه‌گیری تأثیرات بسیار ضعیف، متوسط (میان‌ه)، نسبتاً قوی، و تأثیرات بسیار قوی را به نمایش می‌گذارد. به عبارتی خطوط قرمز نشان‌دهنده اثرگذاری شدید عوامل بر همدیگر است و خطوط آبی، با تفاوت در ضخامت، روابط متوسط تا ضعیف را نشان می‌دهد.



شکل ۳. روابط بین مؤلفه‌ها در حالت ۱۰۰ درصد
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

انتخاب نهایی پارامترهای مؤثر بر پایداری پدیده کولبری در روستاهای مرزی پاوه

در این تحقیق با توجه به اینکه هدف شناسایی و تحلیل پارامترها و متغیرهای مؤثر بر پایداری اقتصاد کولبری در روستاهای مرزی شهرستان پاوه است، متغیرهایی که در چهار ماتریس تأثیرگذاری مستقیم، تأثیرگذاری غیرمستقیم، تأثیرگذاری بالقوه مستقیم و غیرمستقیم بیشترین تکرار را داشته‌اند و از ضریب جابه‌جایی بیشتری برخوردار بوده‌اند شناسایی و به‌عنوان پیشران‌های مؤثر بر پایداری اقتصاد کولبری در روستاهای مرزی پاوه انتخاب شدند. در تحقیق حاضر و بر اساس نتایج نرم‌افزار میک مک هفت متغیر زیر به‌عنوان مهم‌ترین عوامل کلیدی تأثیرگذار بر موضوع تحقیق انتخاب شدند که در جدول ۳ بیان شده است.

جدول ۳. پیشران‌های مؤثر بر پایداری اقتصاد کولبری در روستاهای مرزی پاوه

رتبه	متغیر	تکرار
۱	دسترسی به خدمات و امکانات بهداشتی	۴
۲	رضایت از وضعیت هزینه زندگی	۳
۳	وضعیت اشتغال و بیکاری در منطقه مرزی	۳
۴	سطح توسعه منطقه مرزی نسبت به مرکز	۳
۵	نوع سیاست مرزی دو کشور (باز، نیمه‌باز، و بسته)	۳
۶	احساس برابری یا تبعیض سیاسی ساکنان مرزی با مرکز	۲
۷	نوع اقتصاد ساکنان مرزی (کشاورزی، دامپروری، صنعت، و خدمات)	۲

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

دسترسی به خدمات و امکانات بهداشتی

این متغیر، با توجه به جایگاهی که در یافته‌های میدانی دارد، بیشترین مقدار تأثیر را بر روی پایداری اقتصاد کولبری داشته است. به عبارت دیگر، در مناطق مرزی، به دلیل دوری از مرکز و فقر اقتصادی موجود در این مناطق، وضعیت خدمات بهداشتی، همچون بیمارستان در وضعیت نامناسبی قرار دارد. از سوی دیگر، با توجه به وضعیت نامناسب اقتصادی افراد شاغل در این حوزه و از طرف دیگر هزینه‌بر بودن درمان و سلامت در ایران، به‌ویژه برای مناطق محروم و مرزی، دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی یکی از مهم‌ترین اولویت‌های توسعه این مناطق است که مستقیماً بر پایداری پدیده کولبری تأثیر می‌گذارد. از این رو، با توجه به سطح بالای نرخ زادوولد و بار تکفل و نیز فقدان امکانات بهداشتی و درمانی مناسب در روستاهای مرزی شهرستان که به افزایش هزینه‌های بهداشت و درمان در روستاهای مرزی منجر شده و با توجه به این مسئله که تأمین هزینه‌های بهداشتی جزو ملزومات اصلی زندگی به‌ویژه در نواحی روستایی مناطق مرزی شهرستان پاوه است، این امر افراد را به سمت تأمین هزینه‌ها از طریق کولبری ترغیب می‌کند؛ زیرا تنها شغل در دسترس برای تأمین هزینه‌های بهداشتی و درمانی است.

رضایت از وضعیت هزینه زندگی

دومین پیشران مؤثر بر پایداری پدیده کولبری رضایت از وضعیت هزینه‌های زندگی است که می‌توان آن را کاتالیزور اصلی در گرایش به پدیده کولبری دانست. در مناطق مرزی ایران به‌ویژه در روستاهای مرزی شهرستان پاوه به دلیل نبود اشتغال و از سمت دیگر افزایش نرخ تورم کالاها، هر روز هزینه‌های زندگی در این نواحی به‌شدت بالا رفته و زندگی را برای مردمان عادی آن سخت و طاقت‌فرسا کرده است؛ مجموعه این عوامل در ارتباط با همدیگر باعث گرایش به سمت

تأمین هزینه‌های زندگی به هر طریق ممکن می‌شود که پدیده کولبری در این مناطق ناشی از نارضایتی از هزینه‌های زندگی است. روی آوردن طیف مختلفی از مردم در سنین متفاوت از کودک دوازده‌ساله تا پیرمرد ۶۵ساله با توجه به کوهستانی بودن مناطق مرزی پاوه، برای این افراد انتخاب این شغل مخاطرات جدی به همراه دارد، مانند به سقوط کردن به ته دره، گرفتار شدن در برف و سرما، درگیری با نیروهای مرزی و انتظامی، و نهایتاً مرگ. با وجود همه این پیامدها، نه تنها از تعداد افراد شاغل در این بخش غیررسمی اقتصاد در مناطق مرزی کاسته نمی‌شود، بلکه هر روز به دلیل بدتر شدن وضعیت در مناطق مرزی افراد بیشتری به این شغل روی می‌آورند. به عبارت دیگر، به دلیل نبود راه‌های کسب درآمد جای‌گزین و تورم بالای کالاهای ضروری هر روز افراد در تأمین معیشت خود دچار چالش و مشکل می‌شوند. در این میان، مناطق روستایی نیز از این قاعده مستثنا نیستند و نارضایتی از وضعیت هزینه‌های زندگی به دلیل درآمد ناکافی از یک طرف و از طرف دیگر افزایش هزینه‌های زندگی به دلیل تورم افراد را از وضعیت هزینه‌های زندگی در نواحی مرزی ناراضی می‌کند و در نتیجه برای جبران این کسر بودجه به سمت شغل کولبری رو می‌آورند.

نوع اقتصاد ساکنان مرزی (کشاورزی، دام‌پروری، صنعت، و خدمات)

یکی از دلایل اصلی روی آوردن به شغل کولبری در میان شهروندان مناطق مرزی عدم تنوع اقتصادی در این مناطق است. با توجه به سطح پایین ارائه خدمات و امکانات در این مناطق و به‌ویژه در نواحی روستایی آن و از سوی دیگر تغییرات اقلیمی و عدم ارائه راهکارهای سازگاری با آن، کشاورزی و دام‌پروری رونق قبلی خود را از دست داده است. یکی دیگر از دلایل کنار گذاشته شدن اقتصاد کشاورزی فرایند شهرگرایی و به تبع آن شهرنشینی فزاینده در مناطق روستایی است که با تبدیل شدن به شهر یا مهاجرت به شهرها امکان کشاورزی یا دام‌پروری - که شاکله اقتصاد مناطق مرزی است - از شهروندان گرفته می‌شود. صنعت در مناطق مرزی ایران به‌ویژه در پاوه سطح سرمایه‌گذاری بسیار پایینی دارد و از این رو بازدهی اقتصادی مناسبی برای سرمایه‌گذاران ندارد. از این رو، این بخش از اقتصاد هم در این مناطق وضعیت وخیمی دارد. بنابراین، تنها راه باقی‌مانده برای مردم رو آوردن به شغل‌های کاذب و غیرقانونی (بر اساس گفت‌مان رسمی کشور) است که کولبری یکی از این شغل‌هاست. با توجه به این مسئله که در خاطره و تاریخ شهروندان مرزی پاوه اقتصاد پایدار و قوی‌ای وجود نداشته و روی آوردن به اشتغال‌های رسمی در چندین نسل این مردم به‌نوعی نهادینه شده است که حتی در صورت مهیا بودن شرایط برای اشتغال در زمینه‌های دیگر اقتصادی، از جمله کشاورزی و صنعت، مردم تمایل کمتری به اشتغال در این حوزه‌ها دارند، مگر اینکه در طی چندین سال با سرمایه‌گذاری‌های گسترده در این مناطق دیدگاه مردم - که برگرفته از تجربه تاریخی و زیستی آن‌ها در نواحی مرزی است - تغییر داده شود و از این ظرفیت مردم منطقه که توانمندند به شکل بهینه و قانونمند استفاده شود.

نوع سیاست مرزی دو کشور (باز، نیمه‌باز، و بسته)

سیاست‌های مرزی دو کشور ایران و عراق در طی سال‌های گذشته از نوع سیستم نیمه‌بسته بوده است که هرچند وقت یک بار برای مدت زیادی مرزها را می‌بندند. این بستن مرز در شهرستان پاوه به دلیل هم‌جواری با اقلیم کردستان عراق و مشکلات خاص آن (از دیدگاه حکومت ایران) طولانی‌تر بوده و از طرف دیگر با توجه به عدم ثبات و نیز توجه به نیازهای مناطق مرزی در سیاست خارجی ایران، دادوستد رسمی در مناطق مرزی پاوه چشم‌انداز روشنی ندارد. از این رو، افراد کمتری در این حوزه وارد می‌شوند و بیشتر به سمت اشتغال‌های کاذب و زودبازده تمایل پیدا می‌کنند که کولبری هم به

دلیل روزمزدبودن آن (درآمد فوری) جزو این دسته از اشتغال‌هاست که نتیجه مستقیم سیاست‌های مرزی گذشته و حال دو کشور ایران و عراق است.

احساس برابری یا تبعیض سیاسی ساکنان مرزی با مرکز

شهروندان مناطق مرزی ایران و به‌ویژه منطقه مورد مطالعه، به دلیل مشکلات اقتصادی و معیشتی موجود در محیط جغرافیایی‌شان، همواره احساس تبعیض و شهروند درجه سه بودن دارند؛ این احساس در درازمدت موجب رفتارهای سیاسی خاصی شده که واگرایی و عدم مشارکت در تصمیم‌گیری‌های سیاسی (انتخابات) یکی از این مسائل است و به‌نوعی دولت از داشتن سرمایه اجتماعی کافی در این مناطق برای قانع کردن مردم جهت کاهش تمایل به سمت اشتغال غیررسمی، از جمله کولبری، برخوردار نیست. به عبارت دیگر، شهروندان ساکن در مناطق مرزی با توجه به تجربه تاریخی ناعدالتی و تبعیضی که حکومت‌های مرکزی (در طول یک قرن گذشته) نسبت به این مناطق داشته‌اند گرایش به اقتصاد غیررسمی را نوعی واکنش به این تبعیضات می‌دانند و بر پایداری آن تداوم می‌ورزند.

سطح توسعه منطقه مرزی نسبت به مرکز

نابرابری‌های توسعه‌ای میان مناطق مرزی و مرکزی در بیشتر کشورهای جهان سوم و به‌ویژه ایران دیده می‌شود. به گونه‌ای که در ایران مناطق مرزی به مراتب از مناطق مرکزی عقب‌مانده‌تر و دارای چالش‌های توسعه‌ای بیشتری می‌باشند. در واقع، یکی از خصوصیات ساختار اقتصادی - اجتماعی ایران آن است که یک یا چند منطقه توسعه یافته‌اند و بقیه مناطق کشور به‌ویژه مناطق مرزی دارای محرومیت مضاعفی‌اند. تفاوت سطح توسعه پیامدهایی از جمله کاهش سطح سرمایه‌گذاری‌ها را به دنبال دارد؛ کاهش سطح سرمایه‌گذاری به کاهش سطح اشتغال منجر می‌شود؛ کمبود اشتغال زمینه رکود اقتصادی را فراهم می‌کند؛ و در ایران رکود همراه با تورم زیاد کالاها زندگی و معیشت شهروندان کشور و به‌ویژه مناطق مرزی پاوه را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد و در نهایت افراد مجبور به رفتن به سوی اشتغال غیررسمی و کولبری می‌شوند. از این رو، اختلاف سطح توسعه مناطق مرزی نسبت به مرکز تأثیرگذاری زیادی در پایداری اقتصاد کولبری دارد.

وضعیت اشتغال و بیکاری در منطقه مرزی

همان‌گونه که در سطور بالا اشاره شد، یکی از دلایل اصلی گرایش مرزنشینان به فعالیت کولبری، به‌رغم کلیه مخاطراتی که دارد، ناشی از وضعیت نامناسب اشتغال در این مناطق است. از این رو، ایجاد اشتغال پایدار و سطح دستمزد متناسب با هزینه‌های زندگی می‌تواند از گرایش بیشتر به سمت این پدیده بکاهد. نکته مهم در ایجاد اشتغال پایدار این اشتغال‌هاست. با توجه به تجربیات تلخی که مناطق مرزی در طول دوره‌های مختلف ناشی از وضعیت نامناسب و ناپایدار اقتصادی این مناطق و پیامدهای آن به‌دست آورده‌اند، به نوعی اشتغال در کارهای پایدار همانند کارهای دولتی (رسمی) جزو اولویت‌های اصلی انتخاب شغل در این مناطق محسوب می‌شود و کمتر به سمت اشتغال‌های دیگر رسمی می‌روند و در صورت نبود این اشتغال رسمی به سمت اشتغال‌های غیررسمی گرایش پیدا می‌کنند. از این رو، می‌توان گفت مسائل و مشکلات مناطق مرزی به‌ویژه پدیده کولبری در کوتاه‌مدت حل نخواهد شد، بلکه در طول زمان و همراه با افزایش سطح توسعه و رفاه در مناطق مرزی و به دنبال آن افزایش اشتغال در درازمدت به کاهش گرایش به این پدیده منجر می‌شود.

وضعیت‌های احتمالی پیش‌ران‌های کلیدی

وضعیت‌های مختلفی پیش روی هفت عامل کلیدی فوق قابل تصور است که این وضعیت‌های احتمالی در سیاست‌گذاری‌های آینده سیستم اهمیت بسزایی دارد. بر اساس مطالب بیان‌شده و مطابق با وضعیت‌های احتمالی آینده سیستم کولبری روستاهای مرزی پاره، مجموعاً ۳۵ وضعیت مختلف برای هفت عامل کلیدی طراحی شد که در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. عوامل اصلی و وضعیت‌های احتمالی پیش روی آن در آینده پایداری کولبری در روستاهای مرزی پاره

وضعیت	شرح حالت‌های احتمالی	حالت	عوامل کلیدی	عامل
مطلوب	افزایش سطح دسترسی به خدمات و امکانات	A1	وضعیت خدمات و امکانات بهداشتی	A
نیمه‌مطلوب	بهبود نسبی سطح دسترسی به خدمات و امکانات	A2		
ایستا	تداوم وضع موجود	A3		
نیمه‌بحرانی	کاهش نسبی سطح دسترسی به خدمات و امکانات	A4		
بحرانی	کاهش قابل توجه سطح دسترسی به خدمات و امکانات	A5		
مطلوب	افزایش رضایت از میزان هزینه‌های زندگی در نواحی مرزی	B1	رضایت از وضعیت هزینه زندگی	B
نیمه‌مطلوب	بهبود نسبی رضایت از میزان هزینه‌های زندگی در نواحی مرزی	B2		
ایستا	تداوم وضعیت موجود	B3		
نیمه‌بحرانی	کاهش نسبی رضایت از هزینه‌های زندگی در نواحی مرزی	B4		
بحرانی	افزایش ناراضی‌سازی ساکنان مرز از هزینه‌های زندگی در نواحی مرزی	B5		
مطلوب	افزایش قابل توجه میزان تنوع اقتصادی ساکنان مرز	C1	نوع اقتصاد ساکنان مرزی (کشاورزی، دامپروری، صنعت، و خدمات)	C
نیمه‌مطلوب	افزایش نسبی میزان تنوع اقتصادی ساکنان مرز	C2		
ایستا	تداوم وضعیت اقتصادی موجود	C3		
نیمه‌بحرانی	کاهش نسبی میزان تنوع اقتصادی ساکنان مرز	C4		
بحرانی	تشدید وضعیت معیشت اقتصادی ساکنان مرز	C5		
مطلوب	گشایش بیشتر مرزها	D1	نوع سیاست مرزی دو کشور (باز، نیمه‌باز، و بسته)	D
نیمه‌مطلوب	گشایش نسبی و موقت مرزها	D2		
ایستا	تداوم وضعیت موجود سیاست‌های مرزی	D3		
نیمه‌بحرانی	افزایش نسبی سیاست نیمه‌بسته در مرز	D4		
بحرانی	بسته‌شدن طولانی مرز	D5		
مطلوب	احساس برابری سیاسی مرزنشینان با مرکز	E1	احساس برابری یا تبعیض سیاسی ساکنان مرزی با مرکز	E
نیمه‌مطلوب	بهبود نسبی احساس برابری سیاسی مرزنشینان با مرکز	E2		
ایستا	تداوم وضعیت موجود	E3		
نیمه‌بحرانی	بدبینی نسبی بیشتر، احساس تبعیض سیاسی در ساکنان مرزی با مرکز	E4		
بحرانی	افزایش بدبینی، احساس تبعیض و نابرابری سیاسی مرزنشینان با مرکز	E5		
مطلوب	بهبود سطح توسعه منطقه مرزی نسبت به مرکز	F1	سطح توسعه منطقه مرزی نسبت به مرکز	F
نیمه‌مطلوب	بهبود نسبی سطح توسعه منطقه مرزی نسبت به مرکز	F2		
ایستا	تداوم سطح توسعه پایین منطقه مرزی نسبت به مرکز	F3		
نیمه‌بحرانی	کاهش نسبی سطح توسعه منطقه مرزی نسبت به مرکز	F4		
بحرانی	کاهش سطح توسعه منطقه مرزی نسبت به مرکز	F5		
مطلوب	افزایش سطح اشتغال در منطقه مرزی	G1	وضعیت اشتغال و بیکاری در منطقه مرزی	G
نیمه‌مطلوب	بهبود نسبی وضعیت اشتغال در منطقه مرزی	G2		
ایستا	تداوم وضعیت موجود اشتغال در منطقه مرزی	G3		
نیمه‌بحرانی	افزایش نسبی وضعیت نامناسب اشتغال در منطقه مرزی	G4		
بحرانی	افزایش بیشتر وضعیت بیکاری در منطقه مرزی	G5		

Scenario No. 8	Scenario No. 9	Scenario No. 10	Scenario No. 11	Scenario No. 12	Scenario No. 13	Scenario No. 14
سناریوی به خدمات و امکانات بهداشتی، ارتقاء سطح دسترسی به خدمات و امکانات	سناریوی به خدمات و امکانات بهداشتی، داروم وضع موجود			سناریوی به خدمات و امکانات بهداشتی، کاهش دسترسی سطح دسترسی به خدمات و امکانات		سناریوی به خدمات و امکانات بهداشتی، داروم وضع موجود
رضایت از وضعیت هزینه زندگی، رضایت نسبی رضایت از میزان هزینه های زندگی، رضایت نسبی	رضایت از وضعیت هزینه زندگی، رضایت از وضعیت داروم وضعیت موجود	رضایت از وضعیت هزینه زندگی، رضایت از رضایت نسبی رضایت از میزان هزینه های زندگی، رضایت نسبی				
نوع اقتصاد ساکنین مرزی (کشاورزی و دامپروری) خدمات، ارتقاء نسبی میزان نوع اقتصادی ساکنین مرز	نوع اقتصاد ساکنین مرزی (کشاورزی و دامپروری) خدمات، داروم وضعیت اقتصادی موجود			نوع اقتصاد ساکنین مرزی (کشاورزی و دامپروری) خدمات، اقتصاد ساکنین مرز	نوع اقتصاد ساکنین مرزی (کشاورزی و دامپروری) خدمات، اقتصاد نسبی میزان نوع اقتصادی ساکنین مرز	نوع اقتصاد ساکنین مرزی (کشاورزی و دامپروری) خدمات، اقتصاد نسبی میزان نوع اقتصادی ساکنین مرز
نوع خدمات مرزی، ارتقاء خدمات، داروم وضعیت موجود، سلامت بیمه بون مرزها				نوع خدمات مرزی، ارتقاء خدمات، سلامت بیمه مرز		
امنیت برابری با همجوار، امنیت ساکنین مرزی به مرکز	امنیت برابری با همجوار، امنیت مرزی به مرکز، داروم وضعیت موجود	امنیت برابری با همجوار، امنیت مرزی به مرکز، امنیت برابری با همجوار	امنیت برابری با همجوار، امنیت ساکنین مرزی به مرکز، داروم وضعیت موجود		امنیت برابری با همجوار، امنیت ساکنین مرزی به مرکز، امنیت برابری با همجوار	
سطح توسعه منطقه مرزی، امنیت به مرکز، امنیت نسبی سطح توسعه منطقه مرزی نسبت به مرکز	سطح توسعه منطقه مرزی نسبت به مرکز، داروم سطح توسعه نسبی منطقه مرزی نسبت به مرکز			سطح توسعه منطقه مرزی نسبت به مرکز، امنیت نسبی سطح توسعه منطقه مرزی نسبت به مرکز		
وضعیت سلامت و رضایت از وضعیت سلامت، ارتقاء سلامت و رضایت بهداشتی در منطقه مرزی						

شکل ۴. تخته سناریوهای با سازگاری قوی آینده پایداری کولبری در روستاهای مرز پاوه
منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۹

نتیجه گیری

در دنیای امروز بیشتر حکومت‌ها و بازیگران سیاسی سعی دارند، به انواع مختلف، فضاهای تحت امر خود را به بهترین شکل اداره و مدیریت کنند و به سوی فضایی بسامان سوق دهند. در این میان، مناطق مرزی با توجه به جایگاهی که در بین کشورها دارند از اهمیت بسزایی برخوردارند. در این میان، زندگی در مناطق مرزی دارای مسائل و مشکلات مختلف است. به عبارت دیگر، زندگی اقتصادی و اجتماعی در طول مرزها برای ساکنان حاشیه مرز سودها و زیان‌های مختلفی همراه دارد. مجاورت با یک منطقه ناامن همانند مناطق مرزی ایران ممکن است محدودیت‌های مختلفی همراه داشته باشد و به نوعی در بیشتر مواقع عامل بازدارنده توسعه و فعالیت در شرایط زندگی ساکنان خواهد بود (حافظنیا و جان‌پرور، ۱۳۹۲: ۱۱۴). از این رو، در مقاله حاضر به بررسی عوامل و پیشران‌های مؤثر بر پایداری یکی از معضلات اساسی مناطق مرزی- که ناشی از مسائل مختلف بوده و عبارت است از پدیده و اقتصاد کولبری- پرداخته شد و در آن با مشخص کردن معیارها و پیشران‌های کلیدی مؤثر در پایداری این مشکل، آینده پیش روی این پدیده در مناطق مرزی و به ویژه در نواحی روستایی شهرستان مرزی پاوه بررسی شد. بدین منظور، نخست با استفاده از نرم‌افزار میک مک مهم‌ترین عوامل کلیدی مؤثر در پایداری پدیده کولبری در روستاهای مورد مطالعه مشخص شد و در نهایت خروجی این نرم‌افزار هفت پیشران کلیدی تأثیرگذار در آینده پدیده کولبری را مشخص کرد و برای هفت پیشران کلیدی در مجموع ۳۵ حالت مختلف (عدم قطعیت) در نظر گرفته شد. مسئله مهم در بحث تدوین سناریوهای پیش روی آینده کولبری در روستاهای مرزی آن است که بازیگران حاضر در عرصه (تأثیرگذار) بتوانند برای هر حالت و سناریوی ممکن استراتژی خاصی داشته باشند. به عبارت دیگر، بازیگری در آینده می‌تواند موفق عمل کند که درک بهتری از شرایط مختلف داشته باشد و مبتنی بر شرایط مختلف استراتژی خاصی را در پیش بگیرد. از این رو، برای بازیگران و مدیران سیاسی فضا به دلیل تأثیرگذاری

بسیار زیادی که در تحولات مناطق مرزی دارند مهم‌ترین مسئله داشتن استراتژی مشخص برای هر حالت و سناریوی مختلف در آینده پدیده کولبری در روستاهای مرزی است، در این صورت است که بازیگر می‌تواند در آینده تداوم حاکمیت خود را با شناخت بهتر و پیش‌بردن این مناطق به سوی فضای بسامان حفظ کند. نتایج نشان داد از ۴۵ حالت موجود در تخته سناریو ۲۰ حالت نشان‌دهنده احتمال وقوع شرایط بحرانی و نیمه‌بحرانی است. ۱۳ حالت تشکیل شده از وضعیت مطلوب و نیمه‌مطلوب‌اند. ۱۲ حالت تداوم وضعیت موجود نیز در شکل ۳ وجود دارد که به‌نوعی اتفاق افتادن آن در آینده سیستم حالت بحرانی در نظر گرفته می‌شود. به بیانی دیگر، می‌توان گفت نتایج استخراج شده از نرم‌افزار سناریویزارد نشان می‌دهد که برای آینده پایداری پدیده کولبری در مناطق مرزی ۱۴ سناریوی قوی و محتمل وجود دارد که از بین این سناریوها سناریوهای ۱ و ۲ وضعیت مطلوب داشته‌اند. سناریوهای ۵، ۶، ۷، ۱۲، ۱۳، و ۱۴ وضعیت نامطلوب داشته‌اند. سناریوهای ۱۱، ۱۰، ۹، ۸، ۴، و ۳ نیز دارای وضعیت بینابینی بوده و از ترکیب حالت‌های مختلف به‌وجود آمده‌اند. نتیجه تحقیق حاضر نشان می‌دهد که به‌صورت کلی بازیگران مؤثر در پایداری پدیده کولبری (دولت و حکومت) باید استراتژی‌های خود را بر اساس شرایط بحرانی در نظر بگیرند؛ به این معنا، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از تخته سناریو، در صورت رخ دادن حالت‌های بحرانی و ایستا به بحرانی شدن آینده وضعیت کولبری در روستاهای مرزی منجر می‌شود. از این رو، باید استراتژی‌ای بچینند که به نوعی با شرایط بحرانی سازگاری داشته باشد و وضعیت را به سمت حالت مطلوب پیش ببرد. از این رو، در ادامه استراتژی‌هایی پیشنهاد شده که بازیگران مؤثر بر تداوم پدیده کولبری در روستاهای مرزی باید در شرایط مختلف در پیش بگیرند؛ این استراتژی‌ها عبارت‌اند از:

استراتژی شرایط بحرانی: تجدیدنظر در سیاست‌های موجود بر مناطق مرزی

به‌صورت کلی، اگر بحرانی‌ترین حالت ممکن برای هر یک از پیشران‌های کلیدی اتفاق بیفتد، استراتژی دولت و سایر بازیگران مؤثر بر مناطق مرزی در روستاهای مرزی پاوه تغییر و تجدیدنظر اساسی درباره سیاست‌های انتخاب شده برای این مناطق است، زیرا در سایه سیاست‌ها و استراتژی‌های موجود این بازیگران سیستم کولبری در مناطق روستایی به سمت تداوم و شکندگی بیشتر حرکت می‌کند. به عبارت دیگر، نوع نگاه به مناطق مرزی و امنیتی کردن این مناطق سبب شده که این روستاها از سطح توسعه نسبتاً پایینی برخوردار باشند. این عدم توسعه موجب مشکلات دیگری در این مناطق شده، از جمله بیکاری، فقدان تنوع اقتصادی، و سایر مشکلات اصلی موجود. در صورت تداوم سیاست‌های فعلی سیستم کولبری و فعالیت‌های غیررسمی حالتی بحرانی به خود خواهد گرفت و زمینه را برای ناامنی و شکندگی بیشتر این روستاها و مناطق فراهم خواهد کرد. در برخورد با پدیده کولبران یا باربران مرزی، که کالایی را از یک سوی مرز به سوی دیگر آن حمل می‌کنند، سیاست‌های موجود در برابر آن را برخی قانونی و موجه جلوه می‌دهند و آن را در چارچوبی حقوقی تأویل می‌کنند؛ اما مسئله اصلی در ارتباط با مرزنشینان این است که باید پرسید چرا انسانی که از امتیازات و حقوق شهروندی برخوردار نیست ملزم است به قانونی پایبند باشد که مختص شهروندان است و در کنار محدودیت‌ها و مسئولیت‌ها حقوق آن‌ها را هم به رسمیت می‌شناسد. به عبارت دیگر، مسئله پایبندی به قوانین کشور برای شهروندانی است که از حقوق برابر با سایر شهروندان برخوردار باشند و از مزایای موجود برای سایر شهروندان برخوردار باشند. اما برای شهروندان مناطق مرزی- که با انواع مشکلات و محرومیت‌ها روبه‌رو هستند- عدم پایبندی به قوانینی که در آن فضا شهروندان درجه چندم محسوب می‌شوند عملی مجرمانه تلقی نمی‌شود و نباید هم عملی مجرمانه تلقی شود، چون قوانینی که قادر نیستند حقوق شهروندی کلیه افراد آن فضا را تضمین کنند قدرت و مشروعیت اعمال محدودیت بر رفتار کلیه شهروندان را ندارند. به عبارت دیگر، مقدم بر قوانین تصویب‌شده کشور، حقوق اساسی و مسلم شهروندان روستایی

موجود در مناطق مرزی پاره است که باید از حق داشتن شغل و قدرت تأمین مایحتاج اساسی و رفاهی زندگی خود برخوردار باشند. به بیانی بهتر، حق گرسنه نماندن شهروندان مرزی مقدم بر محدودیت قانونی انحصار انتقال کالا از مبادی رسمی مرزی و با پرداخت عوارض گمرکی است و با توجه به ارجحیت حقوق اولیه اشخاص و شهروندان بر قوانین وضع شده، کولبر تعهدی برای پایبندی به این قوانین ندارد. از این رو، در صورت بحرانی‌تر شدن شرایط پدیده کولبری، چرخش سیاست‌ها و تجدیدنظر در استراتژی‌های به کار گرفته شده در مورد مناطق مرزی پاره با توجه به وضعیت پیش آمده ضروری است.

استراتژی شرایط در آستانه بحران؛ بازآفرینی و بازساخت سیاست‌های داخلی نسبت به مناطق مرزی

در صورت تداوم وضعیت موجود و وارد شدن به شرایط نیمه‌بحرانی در آینده، استراتژی پیش روی بازیگران سیاسی باید بازآفرینی و بازساخت سیاست‌ها و استراتژی‌های موجود مناطق مرزی باشد. اگر با دیدی انتقادی به سیاست‌ها و استراتژی‌های بازیگران در ارتباط با مناطق مرزی نگاه کنیم، متوجه نیاز اساسی به بازآفرینی و بازساخت این سیاست‌ها و استراتژی‌ها خواهیم شد، زیرا نتیجه استراتژی‌های موجود نسبت به مناطق مرزی پیامدهایی همچون فقر و بیکاری و گسترش ناامنی در پی داشته است و به‌واقع این فضاها با کمترین مشکل به بحرانی بزرگ تبدیل خواهند شد. معمولاً، ملتزم بودن به قوانین برای همه ساکنان یک سرزمین فارغ از نگاهی که قانون به آن‌ها دارد همیشه عملی اخلاقی نیست. التزام به قوانین تا وقتی از لحاظ اخلاقی مشروعیت دارد که از رهگذر این التزام حقوق اولیه و ابتدایی شهروندان نقض نشود. قوانین موجود در مورد کولبران و نحوه تردد آن‌ها در طول مرزها نیز از این قاعده مستثنا نبوده و با توجه به مشکلاتی که برای شهروندان مرزی به وجود می‌آورد و فضا را به حالتی نیمه‌بحرانی می‌کشاند موجب عدم رعایت قوانین می‌شود. به بیانی دیگر، وضعیت موجود در مناطق مرزی، به‌ویژه در روستاهای مرزی شهرستان پاره، در حالتی نیمه‌بحرانی است و با کمترین مسئله وارد مرحله کاملاً بحرانی خواهد شد. وضعیت موجود که نتیجه سال‌ها سیاست‌گذاری اشتباه در این مناطق است موجب افزایش نارضایتی از سیستم خدماتی دولت‌های مختلف شده و تداوم نادیده‌گیری مشکلات این مناطق موجب افزایش بدبینی شده و احساس شهروند درجه چندم بودن را در بین ساکنان روستاهای مرزی به وجود آورده و در صورت تداوم این روند زمینه افزایش مشکلات فراهم خواهد شد. به عبارت دیگر، لازمه عدم ورود به مرحله بحرانی‌تر، تغییر قوانین و ساختارهای سیاسی موجود در ارتباط با مناطق مرزی و به‌نوعی اصلاح ساختار و قوانین مربوطه است. نحوه مواجهه و بازخورد سیاست‌ها در میان شهروندان مناطق مرزی در چند دهه گذشته نشان داده که سیاست‌ها و رویه‌های موجود از کارایی مناسبی برخوردار نیست. بنابراین، به نظر می‌رسد تجدیدنظر و بازساخت سیاست‌های موجود در خصوص مناطق مرزی استراتژی پیش روی بازیگران در بیشترین حالت‌های پیش روی آینده پایداری کولبری باشد.

استراتژی شرایط تداوم وضعیت موجود: تعدیل قوانین و دیدگاه‌ها نسبت به مناطق مرزی

بر اساس شکل ۴ که نشان‌دهنده تخته سناریوهای حاصل از حالت‌های مختلف پیش روی آینده پایداری پدیده کولبری در مناطق مرزی پاره است، حدود یک‌سوم حالت‌های آن بیانگر تداوم وضعیت موجود پیشران‌های کلیدی مؤثر بر پایداری پدیده کولبری است. در واقع، این حالت‌ها نشان می‌دهند که اگر وضع موجود تداوم یابد، پایداری پدیده کولبری و تأثیرات منفی آن رو به فزونی خواهد گذاشت یا در حالت خوش‌بینانه همین سطح از افراد مشغول به کولبری این پدیده را تداوم

خواهند داد. به نظر می‌رسد با توجه به مشکلات داخلی و خارجی کشور ایران، که ناشی از تحریم‌های بین‌المللی است و نیز نوع نگاه به مناطق مرزی، به این زودی شاهد کاهش مبادرت به این پدیده باشیم. مسئله مهم و درخور ذکر این است که مناطق مرزی ایران از شمال غرب تا جنوب شرقی ایران جزو توسعه‌نیافته‌ترین مناطق ایران هستند و داده‌های آماری نشان می‌دهد که این مناطق در همه شاخص‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی از مناطق مرکزی ایران محروم‌ترند. درآمد سرانه پایین، سهم ناچیز از تولید ناخالص ملی، بالاترین نرخ بیکاری در کشور و نرخ رشد اقتصادی منفی، تعطیلی واحدهای صنعتی در این مناطق، و فقدان سرمایه‌گذاری‌های جدید ... از جمله مسائلی است که نشان از توسعه‌نیافتگی اقتصادی در این مناطق دارد؛ اما سؤال اصلی در این زمینه این است که با توجه به شرایط موجود اقتصادی کشور به‌طور عام و شرایط مناطق مرزی به‌طور ویژه، که تورم و گرانی جزو لاینفک زندگی مردم شده و از سوی دیگر هیچ‌امیدی به کاهش تحریم‌ها علیه کشور نیست، چه راهی پیش روی امرارمعاش شهروندان مرزی‌ای هست که هیچ‌گونه منبع درآمد خاصی ندارند (نه کارگاهی، نه کارخانه‌ای، نه زمین کشاورزی مناسبی، نه ...) و از بار تکفل نسبتاً بالایی نیز برخوردارند؟ پرسش اصلی‌تر این است که چرا ساکنان مناطق مرزی پاوه و سایر مناطق مرزی کشور به کولبری روی می‌آورند؟ به گفته مسئولان ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز ریاست جمهوری، حدود چهل هزار نفر در استان‌های مرزی ایران - از جمله استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، کرمانشاه، و آذربایجان غربی - کولبری می‌کنند. چهل هزار نفر کولبر که خرج چهل هزار خانوار را درمی‌آورند. با توجه به پرجمعیت‌بودن خانواده‌های ساکن در این مناطق، یعنی نزدیک به ۳۰۰ هزار نفر از ساکنان مناطق مرزی در استان‌های موردبحث، راه‌حل دولت یا به عبارتی استراتژی دولت برای تأمین معاش این ۳۰۰ هزار نفر در شرایط تحریم و گرانی موجود چیست؟ به نظر می‌رسد وضعیت اقتصادی موجود این مناطق جواب این سؤال را بدهد و آن اینکه این واقعیت را بپذیریم که استراتژی خاصی برای تأمین مایحتاج زندگی بخش بزرگی از شهروندان این مناطق وجود ندارد. از این رو، با توجه به مسائل مطرح‌شده، به نظر می‌رسد استراتژی‌ای که باید حکومت در شرایط وضعیت موجود در پیش بگیرد عبارت است از تعدیل قوانین و دیدگاه‌ها نسبت به مناطق مرزی و آسان‌کردن تجارت مرزی برای شهروندان این مناطق به‌منظور بهبود وضعیت موجود.

استراتژی بهبود وضعیت موجود: بهبود و تقویت ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... مناطق مرزی

در صورتی که شرایط موجود رو به بهبود بنهد و وضعیت مناسب‌تر شود، استراتژی پیش روی بازیگران سیاسی تقویت ساختارهای موجود باشد تا برای شرایط بحرانی دیگری که بر اساس تجربه تاریخی انسان‌ها همیشه رخ می‌دهد آماده‌تر از وضعیت موجود باشند. تقویت نهادهای اصلی توسعه در مناطق مرزی به‌منظور بهبود وضعیت معیشت شهروندان مناطق مرزی روستایی پاوه مناسب‌ترین استراتژی برای شرایط بهبود وضعیت موجود است؛ وضعیت موجودی که در آن فضاهای مناطق مرزی و به‌ویژه روستاهای مرزی پاوه به‌صورت مختلفی به سمت نابسامانی در حرکت بوده. در واقع، بروز چنین شرایطی شاید زمینه لازم را برای درپیش‌گرفتن استراتژی تقویت ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی فراهم کند. این استراتژی به همگرایی و اتحاد بیشتر و در نتیجه افزایش ضریب امنیت در مناطق مرزی روستاهای پاوه منجر خواهد شد و در کاهش پدیده کولبری تأثیر بسزایی خواهد گذاشت.

منابع

۱. احمدراش، رشید، ۱۳۹۷، مرز و توسعه دیالکتیک: تحلیل جامعه‌شناختی دشواری‌های توسعه پایدار در مناطق مرزی غرب، فصل‌نامه توسعه محلی - روستایی - شهری، دوره ۱۰، ش ۲، صص ۱۸۳-۲۰۶.
۲. بل، وندل، ۱۳۹۲، مبانی آینده‌پژوهی: تاریخچه، اهداف، و دانش: علم انسانی برای عصر جدید، ترجمه محسن محقق و مصطفی تقوی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳. حافظنیا، محمدرضا، ۱۳۸۵، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی.
۴. حافظنیا، محمدرضا و جان‌پرور، محسن، ۱۳۹۲، مرزها و جهانی‌شدن با نگاهی کوتاه به مرزهای ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. دریس‌دیل، آلسدیر و جرالده، اچ. بلیک، ۱۳۷۴، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میرحیدر، تهران: وزارت امور خارجه.
۶. دلپسند، کامل؛ محمدی، پریخان و آموسی، مجنون، ۱۳۹۷، بررسی جامعه‌شناختی زیست‌جهان اجتماعی کولبران مرزی، همایش ملی جامعه‌شناسی مرز: سیاست‌های توسعه و حیات اجتماعی مرزنشینان، دانشگاه کردستان.
۷. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۵۱، لغت‌نامه، مطبوعات کوروش.
۸. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا و قادری، اسماعیل، ۱۳۸۱، نقش گردشگری روستایی در توسعه روستایی، فصل‌نامه مدرس، دوره ۶، ش ۲.
۹. زارعی، یعقوب، ۱۳۹۵، سنجش توسعه در مناطق روستایی با تأکید بر برخی شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی؛ مورد مطالعه: شهرستان‌های استان خراسان رضوی، نشریه مطالعات فرهنگی/اجتماعی خراسان، دوره ۱۱، ش ۲.
۱۰. زاهدی، محمدجواد؛ غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل، ۱۳۹۱، کاستی‌های نظری برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، نشریه پژوهش‌های روستایی، س ۳، ش ۴، صص ۱-۲۴.
۱۱. صادقی، حجت‌اله؛ فال‌سلیمان، محمود؛ هاشمی، صدیقه و فدایی، معصومه، ۱۳۹۳، محدودیت‌ها و ظرفیت‌های توسعه پایدار در روستاهای مرزی شرق ایران مورد: دهستان بندان در شهرستان نهبندان، نشریه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، پیاپی ۸، ش ۲.
۱۲. عنابستانی، علی‌اکبر؛ طیب‌نیا، سیدهادی؛ شایان، حمید و رضوانی، محمدرضا، ۱۳۹۳، تحلیل موانع متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در روستاهای مرزی شهرستان مریوان، فصل‌نامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، س ۳، ش ۴، پیاپی ۱۰، صص ۸۷-۱۱۱.
۱۳. قادرزاده، امید و قادری، امید، ۱۳۹۲، مطالعه کیفی پیامدهای فرهنگی تجارت مرزی در شهرستان مریوان، نشریه مطالعات اجتماعی/ایران، پیاپی ۲۲، ش ۲، صص ۱۳۵-۱۵۴.
۱۴. کامران، حسن؛ پریزادی، طاهر و حسینی‌امینی، حسن، ۱۳۹۰، سامان‌دهی فضایی نواحی مرزی همجوار با مرز ایران و پاکستان با رویکرد پدافند غیرعامل، نشریه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، س ۲، ش ۵.
۱۵. کهنه‌پوشی، سیدهادی و جلالیان، حمید، ۱۳۹۲، تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد روستاهای مرزی؛ مورد: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان، نشریه جغرافیا و توسعه، ش ۳۲، صص ۶۱-۷۴.
۱۶. کهنه‌پوشی، سیدهادی و عنابستانی، علی‌اکبر، ۱۳۹۱، بررسی رابطه بین فاصله از مرز و میزان درآمد و اشتغال در قاچاق کالا (مطالعه موردی بخش خاو و میرآباد- مریوان)، نشریه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، س ۴، ش ۱۵.
۱۷. مجتهدزاده، پرویز، ۱۳۸۵، کتاب درسی نظریه‌ها و مفاهیم ژئوپلیتیک، منتشر نشده، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۱۸. موسوی، میرنجف؛ جلالیان، اسحاق و کهکی، فاطمه سادات، ۱۳۹۶، تدوین سناریوهای عوامل مؤثر بر توسعه گردشگری استان آذربایجان غربی با استفاده از سناریو ویزارد، نشریه گردشگری شهری، دوره ۴، ش ۳، صص ۴۹-۶۲.
۱۹. موسوی، میرنجف؛ قادری، رضا؛ تقیلو، علی‌اکبر و کهکی، فاطمه سادات، ۱۳۹۷، تدوین سناریوهای تحقق‌پذیری آمایش سرزمین (مطالعه موردی: استان خراسان رضوی)، نشریه آمایش سرزمین، دوره ۱۰، ش ۱، صص ۶۵-۹۱.
۲۰. موسوی، میرنجف و کهکی، فاطمه سادات، ۱۳۹۶، آینده‌پژوهی در آمایش سرزمین: نگاهی به کاربرد نرم‌افزارهای میک‌مک و سناریو ویزارد، انتشارات دانشگاه ارومیه.
۲۱. میرحیدر، دره، ۱۳۸۵، مبانی جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت.

22. Ahmadrash, R (2018): Border and Development Dialectic: Sociological Analysis of Sustainable Development Difficulties in the Border Areas of the West, Quarterly Journal of Local Urban Rural Development, Volume 10, Number 2, pp. 183 – 206.
23. Anabestani, A and Tayebnama, H and Shayan, H and Rezvani, MR (2014): Analysis of barriers to diversification of economic activities in border villages of Marivan city, Quarterly Journal of Space Economics and Rural Development, Year 3, Issue 4, Winter, Consecutive 10. pp. 87-111.
24. Bell, W. (2008), Foundations of Futures Studies: History, Purposes and Knowledge New Brunswick, NJ: Transaction, (In Persian)
25. Dekhoda, A (1972): Dictionary, Volume 3, Cyrus Press.
26. Dreisdell, A and Gerald H. (1995), "Political Geography of the Middle East and North Africa", translated by Dorreh MirHeydar, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
27. Delpasand, kamel; Parikhan Mohammadi and Majnoon Amousi, (2017), Sociological Survey of the Social World Biology of Border Colbran, National Conference on Border Sociology: Development Policies and Social Life of Border Residents, Kurdistan, University of Kurdistan, https://www.civilica.com/Paper-CSCB01- CSCB01_005.html
28. Elias, N. (1994). The established and the outsiders. London: Sage. (Originally published 1965).
29. Ghaderzadeh, O and Ghaderi, O (2013): Quality study of cultural and commercial consequences of border trade in Paveh city, Iranian Journal of Social Studies, Seventh course. No. 2. pp. 135-154.
30. Glenn. J.& Gordon. T. (2003), A Tool-Box for Scenario Planning, CD ROM, the Millennium, Project. American Council for the United Nations University.
31. Hafeznia, MR & Janparvar, M (2013): Borders and globalization with a brief look at Iran's borders. Tehran: Institute for Strategic Studies.
32. Hafeznia, MR (2006): Geopolitical principles and concepts. Mashhad. Papoli Publications.
33. Kamran, H and Parizadi, T and Hosseini Amini, H (2011): Spatial organization of border areas adjacent to the border of Iran and Pakistan with the approach of passive defense, Journal of Urban Research and Planning, second year, fifth issue.
34. KohnehPoshi, H and Anabestani, A (2011): Investigating the relationship between distance from the border and the amount of income and employment in smuggling of goods (case study of Khav and Mirabad-Marivan districts), urban and regional studies and researches, fourth year, number 15.
35. Kohnepushe, H and Jalalian, H (2013). The effect of smuggling of goods on the economy of border villages Case: Khav and Mirabad sections of Marivan province. Geography and Development No. 32. Pp 61-74.
36. Kolossov, V and Scott, J (2013). Selected conceptual issues in border studies, Société Royale Belge de Géographie URL: <http://belgeo.revues.org/10532>, DOI: 10.4000/belgeo.10532, ISSN: 2294-9135.
37. MirHeydar, D (2006): Fundamentals of Political Geography. Tehran. Samat Publications.
38. Mojtahedzadeh, P (2006): Unpublished textbook on theories and concepts of geopolitics. Tarbiat Modares University.
39. Mossavi, M and Kahaki, F (2017): Futurism in Land Management; Urmia University Press, First Edition.
40. Mossavi, M and Kahaki, F and Jalalian, I (2017): Development of scenarios of factors affecting the development of tourism in West Azerbaijan province using Wizard scenario; Quarterly Journal of Urban Tourism, Volume 4, Number 3, pp. 62-49.
41. Mossavi, M and Kahaki, F and Taghillo, A and Ghaderi, R (2018): Development of feasible scenarios for land management (Case study: Khorasan Razavi province); Quarterly Journal of Land Management, Volume 10, Number 1, pp. 91-65.
42. Paasi, A (2009): Bounded spaces in a 'borderless world': border studies, power and the anatomy of territory, Journal of Power, 2:2, 213-234, To link to this article: <http://dx.doi.org/10.1080/17540290903064275>.
43. Roney. C. W. (2010), Intersections of Strategic Planning and Futures Studies: Methodological Complementarities. Journal of Futures Studies, 15 (2), 71-100.
44. Rokanuddin Eftekhari, Abdolreza, Ghaderi, Ismail (2002). The Role of Rural Tourism in Rural Development, Modares Quarterly, Volume 6, Number 2.

45. Sadeghi, H and Falsoliman, M and Hashemi, S and Fadaei, M (2014): Restrictions and capacities for sustainable development in the border villages of eastern Iran
46. Shapiro, M.J. and Alker, H.R. eds. (1996). Challenging boundaries: global flows, territorial identities. Minneapolis: University of Minnesota Press.
47. WUD (2013) Webster's unabridged dictionary. Random House, Inc. New York.
48. Zarei, Yaghoub (2016). Measuring Development in Rural Areas with Emphasis on Some Socio-Cultural Indicators Studied: Cities of Khorasan Razavi Province, Khorasan Cultural-Social Studies Extension Quarterly, Volume 11, Issue 2, Winter ۲۰۱۶
49. Zahedi, M J; Ghaffari, Ga; Ibrahimilouyeh, A (2012). Theoretical Shortcomings of Rural Development Planning in Iran ". Quarterly Journal of Rural Research, Year 3, Issue 4 Winter 1-24.
50. Janparvar, M and Heydari Tashekaboud, A and Bahramijaf, S , Chatterjee , Singh, 2021, (Analysis of kulbari's economic position in the northwest border villages of Iran (a study of paveh border villages), Geo Journal, Volume (1), No (1), Year (2021-5) , Pages (4-15)
51. Elias, N., 1994, *The established and the outsiders*. London: Sage. (Originally published 1965).
52. Glenn, J. and Gordon, T., 2003, *A Tool-Box for Scenario Planning*, CD ROM, the Millennium, Project. American Council for the United Nations University.
53. Kolossov, V. and Scott, J., 2013, Selected conceptual issues in border studies, *Société Royale Belge de Géographie URL: <http://belgeo.revues.org/10532>, DOI: 10.4000/belgeo.10532, ISSN: 2294-9135.*
54. Paasi, A., 2009, Bounded spaces in a 'borderless world': border studies, power and the anatomy of territory, *Journal of Power*, 2:2, 213-234, To link to this article: <http://dx.doi.org/10.1080/17540290903064275>.